

مصاحبه



دیدگاه‌های رییس اتاق ایران درباره:

بخش خصوصی و چالش‌های پیش رو

تاثیر فشارهای بین‌المللی بر مراودات تجاری کشور گفتگو کنیم. شما انسان صریحی هستید و به طور قطع می‌توانید تصویری مبتنی بر واقعیت، از اقتصاد ایران ترسیم کنید. برای اینکه وارد مقوله ریسک سیاسی شویم، شما در مورد شرایط فعلی تجارت خارجی ایران، مقدمه‌ای ارایه کنید تا به پرسش‌های بعدی برسیم.

○ در حال حاضر، ژاپن بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران است. در سال گذشته چیزی حدود ۱۱ میلیارد دلار میان ایران و ژاپن مرادده اقتصادی صورت گرفته است. حتماً می‌دانید که ژاپن یکی از بزرگ‌ترین کشورهای وارد کننده نفت است که بدون واسطه شرکت‌های بزرگ، نفت وارد می‌کند. در مورد مرادده با این کشور فکر می‌کنم باتوجه به افزایش قیمت نفت، امسال شاهد رشد ارزش صادرات به این کشور باشیم.

در همین حال، کشور چین هم مراودات زیادی با ایران دارد. فکر می‌کنم حجم مبادلات سال گذشته چین با ایران چیزی حدود ۱۰ میلیارد دلار بوده است. باید این نکته را به خاطر داشته باشیم که



مطرح شده در این گفتگو، بر آن شدیم تا متن مصاحبه ایشان را عیناً در این شماره از مجله به نظر خوانندگان گرامی برسانیم.

تحریریه

● آقای مهندس همان طور که پیش از این به اطلاع شما رساندیم، قصد داریم در مورد ریسک اقتصادی ایران و

اخیراً مهندس خاموشی رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در مصاحبه‌ای با روزنامه دنیای اقتصاد مورخ یکشنبه ۲۲ مرداد سال جاری، دیدگاه‌های خود را در مورد بخش خصوصی کشورمان و چالش‌های سیاسی و اقتصادی پیش رو بیان کرده که با توجه به اهمیت موضوع‌های

رقم صادرات غیرنفتی ایران در بهترین حالت ممکن، بین ۱۱ تا ۱۲ میلیارد دلار است. بنابراین همچنان می‌بینیم که نفت، حجم بسیار قابل توجهی در سبد صادرات ایران دارد. در تصویری که می‌خواهیم از وضعیت تجارت ایران ترسیم کنیم، باید برای کشوری مثل امارات هم نقش قابل توجهی قائل شویم. امارات عربی متحده در سال‌های گذشته سکوی پرش کالاهای ایرانی بوده است. البته کالاهای ایرانی در بازار امارات توزیع می‌شود و در حقیقت بازار امارات پایگاهی برای توزیع کالای ایرانی بوده است. در عین حال، باید از مراودات تجاری ایران با اتحادیه اروپا هم یاد کنیم.

اگر کل اروپا را در نظر بگیریم آنها اولین و بزرگ‌ترین طرف‌های تجاری ما چه از نظر واردات و چه صادرات هستند، اما در تفکیک کشورها با فرانسه چیزی حدود چهار میلیارد یورو و با آلمان چیزی در حدود پنج میلیارد یورو مراد تجاری داریم. بنابراین می‌بینید که حجم تجارت خارجی ایران گسترده و قابل توجه است.

● به عنوان رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در مورد تاثیر بحث انرژی هسته‌ای بر حجم تجارت ایران بگویید.

○ این موضوع طبیعی است که فشارهای ایالات متحده آمریکا بر تجارت خارجی ایران تاثیرگذار باشد. در حقیقت به دنبال خیزی که اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا علیه مواضع ایران گرفته‌اند، ما شاهد تخریب بخش زیادی از روابط اقتصادی ایران با دیگر کشورها بوده‌ایم. به طور قطع آنها درصدد هستند که روابط اقتصادی ما را با فشارها و توصیه‌های سیاسی خود، تخریب کنند. به عنوان مثال آنها با کمک بانک‌های خارجی، جریان گشایش اعتبار و فاینانس و دیگر منابع ارزی ایران را محدود کرده‌اند و در عین حال سعی کرده‌اند ریسک اقتصادی ایران را از طریق محدود سازی تامین ارزی منابع و دیگر کارکردهای اقتصادی، افزایش دهند. در

همین شرایط بعضی از بانک‌ها فراتر از این هم عمل کرده‌اند و در جهت توصیه‌های سیاسی آمریکایی‌ها، قصد دارند ایران را در فشار اقتصادی قرار دهند.

در مجموع، طرف‌های اقتصادی ایران به رغم میل باطنی و منافع اقتصادی خود، منتظر مانده‌اند تا در نهایت ببینند جریان کشمکش‌های ایران با آمریکا و اتحادیه اروپا به کجا ختم خواهد شد.

ما الان وضعی داریم که بارهای خیلی زیادی بر دوش تولید می‌گذاریم که در کشورهای دیگر دنیا به این صورت نیست و در ایران این وضعیت باید تغییر کند.

● پس احتمالاً در طول این کشمکش‌های سیاسی، نقش اتاق‌های بازرگانی می‌تواند بسیار قابل توجه باشد. آیا از سوی شما اقدامی برای خنثی کردن اقدام‌های سیاسی آمریکا صورت گرفته است؟

○ بله، ما همواره تلاش می‌کنیم که به شرکای تجاری ایران یادآوری کنیم که مخدوش شدن روابط تجاری، می‌تواند برای آنها هم زیان داشته باشد. گذشته از آن، ما همواره از طریق اتاق‌ها و مراکز مختلف بین‌المللی، ICC، اتاق اسلامی و دیگر مراکز اقتصادی رایزنی‌های زیادی انجام داده‌ایم تا یادآوری کنیم که فشارهای سیاسی و محدود سازی‌های اقتصادی، بر خلاف روندی است که غربی‌ها برای جهانی شدن تجارت در پیش گرفته‌اند.

از دید ما، طرف‌های تجاری ایران باید از

هر آفتی که جریان سالم و روان تجارت را مخدوش و آلوده می‌کند، دوری کنند. به همین دلیل مقامات اتاق‌های بازرگانی ایران، همواره اعتراض‌های شدیدی به سیاسی شدن موضوع تجارت خارجی با ایران داشته‌اند. به اعتقاد ما جریان آزاد تجارت، در سایه مسایل سیاسی قرار گرفته است. مقامات اتاق‌های بازرگانی ایران به نمایندگی از بخش خصوصی کشور، همواره اعتراض‌های شدیدی به روندی که غربی‌ها در پیش گرفته‌اند، دارند و چنین اعتراض‌هایی را همواره در مجامع بین‌المللی مطرح کرده‌اند.

● آقای مهندس، آیا ایران، ابزاری برای فشار متقابل اقتصادی به غرب در اختیار دارد؟

○ ما اگر ابزاری داشته باشیم، از آن برای فشار به دیگر کشورها استفاده نمی‌کنیم. در عین حال تلاش ما این است که مطابق اساسنامه تشکل‌های بین‌المللی اقتصادی، مثل آن چیزی که در اساسنامه اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) و سازمان تجارت جهانی و دیگر کنوانسیون‌ها و سازمان‌ها، پیش‌بینی شده است، نسبت به رفتار سیاسی غربی‌ها که بر اقتصاد و جریان آزاد تجارت، سایه افکنده است، اعتراض کنیم. تلاش‌های ما موفقیت‌آمیز هم بوده و تاثیر زیادی بر کاهش فشارهای اقتصادی بر ایران داشته است، به گونه‌ای که استدلال نمایندگان بخش خصوصی ایران، اخیراً مورد توجه اعضای اتاق بازرگانی بین‌المللی قرار گرفته و به زودی در دستور کار این مرکز بین‌المللی اقتصادی قرار خواهد گرفت.

● قرار بود که سیاست‌های بازرگانی ایران به نحوی اعمال شود که فاصله بین صادرات و واردات کاهش پیدا کند و تراز بازرگانی بدون نفت ایران به صفر برسد. تا چه حد به این اهداف نزدیک شده‌ایم؟

○ ما همچنان امیدواریم. اما تحقق این امر به مقدار بسیار زیادی بستگی به برداشتن

ناراحت است که می‌گوید هزینه تولید بالا است و قیمت در بازار رقابتی مناسب نیست پس کالای ما فروش نمی‌رود.

○ در این زمان دولت باید به کمک تولید کننده بیاید و کاری کند که تولید ارزان تمام شود، یک سری مسائل اجتماعی وجود دارد که متکفل آن دولت است مانند بهداشت و درمان.

اما در تولیدات، همه این وظایف را به عهده تولیدکننده می‌گذارند، زمانی که تمام مسائل به عهده تولیدکننده باشد کالا گران می‌شود، حال اگر بخواهند کالا را ارزان کنند، باید سوسید بدهند.



● دولت برای هر بخشی بودجه مشخصی را تعیین می‌کند. فکر می‌کنید این بودجه تا چه حدی بر روی قیمت‌ها تاثیر می‌گذارد؟

○ کسری بودجه باعث تورم می‌شود و تورم هم باعث گرانی کالا می‌شود و هر چه قدر شعار بدهیم که دولت باید کوچک شود، اما برعکس آن اتفاق می‌افتد و دولت روز به روز بزرگ‌تر می‌شود.

● در بخش سیاست‌گذاری، دولت چه اشتباهاتی انجام داده است؟

○ در سیاست خارجی زمانی که ما می‌خواهیم با کشورهای خارجی به فعالیت اقتصادی بپردازیم، مهم‌ترین مساله‌ای که به

کاری و کلاً تمام سیاست‌های دولتی داخلی. به طور مثال، ناچیز بودن دستمزدها نسبت به کار نیست به هزینه زندگی است، بلافاصله می‌گویم کارفرما باید طوری دستمزد بدهد که شخص به اداره زندگی‌اش بپردازد، اما این فکر وجود ندارد که در حال حاضر در کجای دنیا یک نفر کار می‌کند و مخارج پنج نفر را می‌پردازد، ما زمانی که می‌خواهیم شاخص هزینه خانوار را بررسی کنیم مینا براساس یک خانواده چهار نفره است که یک نفر باید هزینه زندگی سه نفر را بپردازد و این شاخص حداقل دستمزد است چون در اروپا که گاهی آینه تصمیمگیری‌های ما قرار می‌گیرد، زن و شوهر حتماً باید کار کنند که امورات خانواده بگذرد.

● دولت به خاطر اینکه تولید رونق پیدا کند گاهی تعرفه‌های گمرکی را بر روی یک کالا افزایش می‌دهد، نظر شما در این رابطه چیست؟ آیا از تولیدکننده به واسطه این سیاست‌ها حمایت می‌شود؟

○ به نظر من این عمل خطا است و زمانی که تعرفه‌ها را بالا می‌برند، فقط کالا را گران‌تر می‌کنند در صورتی که نباید کالا گران باشد. ممکن است که این تز اقتصادی در یک دوره‌ای درست بوده، اما در حال حاضر درها باز و رقیب ما نیز تولیدکننده خارجی است. ما زمانی می‌توانیم رقابت کنیم که از لحاظ قیمت و کیفیت بتوانیم رقابت کنیم ولی راه رقابت با این کالاهای خارجی مسلماً گذاردن تعرفه روی آنها نیست، زیرا فقط با این روش توانسته‌ایم قیمت کالا را بالا نگه داریم و این به ضرر مصرف کننده است و این کار باعث می‌شود که پول از جیب مردم خارج و در نهایت وارد جیب دولت شود.

● در حال حاضر بخش خصوصی با چه مشکلاتی روبه‌رو است، باید ببینیم اجزای تشکیل دهنده هزینه تولید چه چیزهایی است؟ بخش تولید از این

موانع تولید دارد، اگر موفق شویم موانع تولید را برداریم و تولید را از لحاظ کیفیت و قیمت رقابتی کنیم، این هدف قابل دسترسی است، اما اگر در این کارها موفق نشویم، کار بسیار مشکلی است.

● سیاست‌های بازرگانی تا چه حدی بر روی این طرح تاثیرگذار است؟

○ سیاست‌های بازرگانی داخل بر روی این روند تاثیر دارند که اگر همه بر این باور باشند که همه ما موظف هستیم در تصمیم‌های اقتصادی کاری می‌کنیم که

بورس ما در دو سال گذشته به جایی رسید که سهام آن خیلی بادکنکی شد و متأسفانه در بد زمانی هم حباب‌ها ترکیدند، درست در انتهای حکومت دولت قبل و آمدن دولت جدید که تا به حال نیز ادامه دارد.

هزینه تولید را پایین و کیفیت را بالا ببریم. ما الان وضعی داریم که بارهای خیلی زیادی بر دوش تولید می‌گذاریم که در کشورهای دیگر دنیا به این صورت نیست و در ایران این وضعیت باید تغییر کند.

● فکر می‌کنید علت چیست که این همه بار بر روی تولید کنندگان است و شما در اتاق بازرگانی چه پیشنهادهایی را ارائه داده‌اید؟

○ البته این بر می‌گردد به بی‌اطلاعی سیاست‌گذاران. اقتصاد ایران شرایط مناسبی برای رقابت آزاد و عادلانه ندارد.

بهترین راه این است که پیش برویم به سوی رقابتی شدن در همه زمینه‌ها از لحاظ سیاست‌های گمرکی و تعرفه واردات، سیاست‌گذاری نهادهای دولتی بر روی تولیدات، سیاست‌های دستمزد، تعطیلات، پرداخت اضافه کاری، سیاست پرداخت شب

ما کمک می‌کند تعامل صحیح با این کشورها است و بعد از لحاظ اقتصادی در حال حاضر اهرم‌های تعامل با کشورها داشتن موافقتنامه‌های تجاری است که شامل

در این زمان دولت باید به کمک تولید کننده بیاید و کاری کند که تولید ارزان تمام شود، یک سری مسائل اجتماعی وجود دارد که متکفل آن دولت است مانند بهداشت و درمان.

موافقتنامه‌های تجاری، گمرکی، تجارت آزاد و تعرفه ترجیحی است که ما در حال حاضر فاقد تمام اینها هستیم در حالی که تمام کشورها به نحوی این توافقنامه‌ها را با هم دارند یا به صورت دو جانبه یا به صورت منطقه‌ای یا جهانی. زمانی که آنها این توافقنامه‌ها را دارند و با یکدیگر معامله می‌کنند از شرایط ارزان‌تری برخوردارند و چیزی به آنها تحمیل نمی‌شود.

● موانع کارآفرینی در ایران چیست؟

○ در حال حاضر سهل‌تر شده، اما هنوز با حالت عادی که بتوانیم ادعا کنیم قدرت جذب‌مان به نقطه مطلوب رسیده خیلی فاصله داریم و به عنوان مثال هنوز از ثبات قوانین به اندازه کافی برخوردار نیستیم. هنوز اجرای قانون در کشور ما نهادینه نشده و هنوز در مراکز تصمیم‌گیری اجتهاد تصمیم حاکم است و هنوز متاسفانه در خیلی از جریان‌های اجرایی نظریات شخصی اعمال می‌شود و می‌چربد بر نظریات قانونی و هنوز از لحاظ فکری در جامعه برای سرمایه‌گذار ارزش واقعی ایجاد نشده و هنوز فکر نمی‌کنیم که سرمایه‌گذار یک سرباز اقتصادی جامعه است. ما با دید یک سرباز به آنها نگاه نمی‌کنیم و اینها در مجموع باعث می‌شود بگوییم امنیت اقتصادی لازم در کشور حاکم نیست و هنوز

ما در تصمیم‌گیری‌های روابط کارمان مشکل داریم.

گاهی بی‌جهت از کارفرما حمایت می‌کنیم و گاهی از کارگر. در صورتی که مشکلاتی که داریم بیشتر به کارگاه‌ها برمی‌گردد که اشتغال را در آن حفظ کنیم و هنوز نتوانسته‌ایم جامعه را به کار بیندازیم. در تقسیم‌بندی کار دنیا شاید بتوانیم بگوییم ایران جزو کشورهای رفاه‌طلب است که فقط میل به هزینه کردن دارد و به اندازه‌ای که هزینه می‌کند، حاضر نیست کار کند. هنوز در کشور ما سود سرمایه‌گذاری در تولید به اندازه سود سایر فعالیت‌ها نیست. هنوز سیستم مالیاتی ما چنگک را به راحتی به روی کسانی می‌زند که به طور مثال زمینی را گرفته‌اند و یک واحد تولیدی ایجاد کرده‌اند که قابل دسترسی است و به دنبال کسانی که از هر راهی فرار می‌کنند، نمی‌رود. چون این کار هزینه‌بردار است و زحمت دارد، اما آنها به راحتی قابلیت دسترسی دارند و مشکلی هم ایجاد نمی‌کنند.

● آیا از لحاظ قانونی این قدر غنی هستیم که بتوانیم به اهداف خصوصی‌سازی دست پیدا کنیم؟

○ از این لحاظ نسبتاً غنی هستیم. اگر سرمایه‌گذارانی که در داخل سرمایه‌گذاری کرده‌اند، نشان دادند که وضعیت‌شان مناسب است، اول سرمایه ایرانی‌های خارج از کشور را جذب می‌کنیم، اگر آنها نیز تست کردند و گفتند خوب است و راضی بودند، آن وقت خارجی‌ها می‌آیند. ما قوانین کاملی در این رابطه داریم، اما هنوز راهی را نرفته‌ایم که البته دولت نهم نیز بر روی این قضیه خیلی کار می‌کند، اما هنوز به آن نتیجه دلخواه نرسیده است.

● نظر شما درباره بازار سرمایه ایران چیست و چگونه عمل می‌کند؟

○ بورس ما در دو سال گذشته به جایی رسید که سهام آن خیلی بادکنکی شد و متاسفانه در بد زمانی هم حباب‌ها ترکیدند،

درست در انتهای حکومت دولت قبل و آمدن دولت جدید که تا به حال نیز ادامه دارد و البته خوشبختانه از حالت نزولی آن جلوگیری شده، اما قیمت‌ها هنوز قیمت واقعی آن نیست، چون به هر حال باید قیمت سهام به یک دلایل منطقی اقتصادی بالا برود و خیلی از سهامی که بالا رفت، منطق اقتصادی پشت آن نبود و بعد ما آمدیم در

کسری بودجه باعث تورم می‌شود و تورم هم باعث گرانی کالا می‌شود و هر چه قدر شعار بدهیم که دولت باید کوچک شود، اما برعکس آن اتفاق می‌افتد و دولت روز به روز بزرگ‌تر می‌شود.

همین مقطع قانون بازار سرمایه را تصویب کردیم. آن وقت درست در شرایط و جابه‌جایی از قانون قبل به قانون جدید می‌خواهیم بورس را به قانون خصوصی‌سازی تبدیل کنیم که این هم خود یک تنگنایی برای بورس ایجاد کرده و خب تا بخواهد این قانون جدید با سازمان جدید راه بیفتد، اشکالاتی هم به همراه خواهد داشت، اما بورس ما می‌تواند و باید محکم‌تر از اینها باشد و ما به طرف استحکام آن هم باید حرکت کنیم، حالا این قانون جدید چه نارسایی‌هایی دارد؟ چون خیلی‌ها اعتقاد به نارسایی‌ها در این قانون دارند، اما خب قانون تازه تصویب شده و در حال حاضر نیز قابل اصلاح نیست. باید حداقل شش ماه بگذرد تا اصلاحاتی روی آن انجام گیرد و امیدواریم نارسایی‌های آن با اصلاحاتی که به شورای اسلامی می‌دهند برطرف شود.

● نظر شما درباره نحوه عرضه سهام و قیمت‌گذاری آنها چیست؟

○ من خودم جزو منتقدان این قضیه هستم

که نحوه عرضه صحیح نیست و قیمتگذاریها درست نیست چون قیمتگذاری سهام یک سرمایه‌گذاری است که رابطه مستقیم دارد با بازده آن سرمایه، اگر حجم سرمایه‌گذاری بالا باشد و بازده آن کم شود، سرمایه‌گذاری از ابتدا غلط بوده است و آن ارزش سهام ارزش واقعی نیست. الان با این معضل در بخش خصوصی سازی رو به رو هستیم، البته گفتن این حرف هم آسان نیست و انسان به خیلی چیزها متهم می‌شود چون کسانی که در خصوصی سازی هستند مواجه با این جریاناتند، که اگر بخواهند با قیمت واقعی ارایه کنند، متهم به این می‌شوند که اموال عمومی را به حراج داده‌اید، بله، چه بسا باید اموال عمومی به حراج رود تا به نقطه سر به سر اقتصادی برسد و تا این کار درست نشود، قضیه خصوصی سازی به طور کامل حل نمی‌شود، یعنی در زمانی که دو

آلمان، متحد شدند و کارخانه‌ای را که در آن شاید ۳۰۰۰ میلیون دلار به نرخ روز سرمایه‌گذاری شده بود به دو مارک واگذار کردند. آنها به خاطر برنامه‌های صحیح اقتصادی که دارند به این صورت عمل می‌کنند چون اما اگر بخواهیم همین را بفروشیم ۴۰۰ دلار خرج کردیم، دلار هفت تومان را ضرب در قیمت جدید می‌کنیم، سود آن را هم حساب می‌کنیم و بعد قیمت می‌دهیم این کار مسلماً بازده مناسب ندارد و به خاطر اینکه مورد سوال و جواب قرار نگیرد، این کار را انجام می‌دهند که ادعا نکنند که ارزان فروخته‌اند.

● **تکلیف بدهی‌های کارخانه‌هایی که فروخته می‌شود چه می‌شود؟**
○ دولت بدهی آنها را قبول می‌کند، فقط شرط می‌کند با خریدار که کارخانه را حرکت

بدهد به سمت جلو، حتی وام نیز می‌دهد. لذا در آلمان زمانی که این کار صورت گرفت، چند نفر با اختیارات کامل تعیین شدند و تصمیم گرفتند تمام صنایع آلمان شرقی را تحت شرایطی که خودشان تشخیص می‌دادند، بدون واهمه از هیچ کسی ظرف مدت دو سال خصوصی کردند ولی در ایران هنوز نظیر چنین هیاتی از طرف مجلس شورای اسلامی تعیین نشده است.

● نظر شما درباره قانون کار چیست؟

○ قانون کار باید طوری باشد که سیاست کاربر را در نظر بگیرد که اشتغال موجود حفظ شود و کمک کند به ایجاد اشتغال.



دیدگاه دبیرکل اتاق ایران در خصوص اصل ۴۴

گفتگوی ایشان در پی از نظر خواهد گذشت.

● **تلقی شما به عنوان دبیرکل اتاق ایران از ابلاغیه مقام معظم رهبری در رابطه با اصل ۴۴ چیست و از نظر جناب عالی چه تاثیری در روند فعالیت بخش خصوصی می‌تواند داشته باشد؟**

○ استنباط من این است که سعی و کوشش دو ساله برخی از مسوولان اتاق در رابطه با اصل ۴۴ و ذیل و صدر آن به نتیجه رسیده است و پس از سال‌ها صبوری و حضور در اکثر شوراها و جلسه‌ها و حتی کمیسیون‌های تخصصی مجمع تشخیص مصلحت نظام، نهایتاً مقام رهبری هم ابلاغیه را رسماً اعلام نمودند و این نشان‌دهنده این است که کلیه مسوولان کشور و کارشناسان در مجموع پس از



دکتر مهرداد باقری دبیرکل اتاق ایران در گفتگو با روزنامه‌دنیای اقتصاد از جهتگیری‌های نوین اتاق ایران به منظور تحقق اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی سخن گفت. متن کامل

سال‌ها با مجموعه نگرشی و نگرش کلان به اصل ۴۴ رسیده‌اند.

● ستاد اجرایی اصل ۴۴ و ترکیب آن را که در حال تکوین است، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ در مقدمه ابلاغیه، چارچوب‌هایی مشخص شده و در آن مجموعه تکالیف بخش خصوصی و بخش دولتی روشن شده است. فکر می‌کنیم که در بخش خصوصی، اتاق بازرگانی ایران به عنوان تنها نهاد غیردولتی که توسط قانون ایجاد شده است، نقش اساسی داشته باشد تا بخش خصوصی را درگیر اجرای اصل ۴۴ نماید و این بخش را به صورت فراگیر در این جریان وارد کند و از طرف دیگر بتواند در کنار دولت، قوه مقننه و قوه قضاییه نقش موثری بازی کند و خلأهایی را که تاکنون موجب شده که خصوصی‌سازی در کشور شکل نگیرد، پر کند. به بیان دیگر، نقش اتاق از یک طرف کمک به بخش خصوصی است تا وارد معرکه و کارزار شوند و از طرف دیگر، کمک به دولت در واگذاری یا آرامش است.

● پیش‌بینی شما از مدت زمان تحقق این اصل و اجرایی شدن آن چیست؟

○ ببینید! قبل از اینکه زمان را ببینیم، باید چالش‌ها و الزامات آن را ببینیم. اما برای پاسخ به شما باید بگویم که قطعاً این زمان کوتاه‌تر از پیش‌بینی‌هایی است که تاکنون اعلام شده و در واقع، این مدت زمان بستگی به همکاری که از بخش خصوصی می‌طلبند، دارد.

هر چه در ابعاد کارشناسی، تصمیمگیری‌ها و ساختار اجرایی این کار بخش خصوصی را دخالت دهند، این زمان کوتاه و عملیاتی و کاربردی خواهد شد.

به هر حال، این سوی داستان، همه چیز دست دولت است و در انحصار آن. واگذاری تمام انحصاراتی که تاکنون در اختیار دولت بوده از یک منظر به معنای از دست‌دادن منابع و اقتدار است که اگر این طور به آن

نگاه کنیم، شاید زمانی حدود یک دهه و شاید هم دو دهه صرف شود. اما استنباط من این است که بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی باید در این پروسه تصمیمگیری حضور داشته باشند و حتی بار تصمیمگیری هم به عهده آنها گذاشته شود. حال با توجه به مشخص شدن رئوس این ابلاغیه، چه خوب است که دارنده و گیرنده، هر دو دور میز بنشینند و با ابزار کارشناسی با یکدیگر بحث کنند و موانع و چالش‌هایی را که وجود دارد از میان بردارند. من معتقدم که در

**من به عنوان دبیر کل
اتاق ایران و ناظر بر
انتخابات این اتاق، در
برابر هر گونه بی‌عدالتی
و بی‌قانونی هر کس
که باشد، قطعاً
می‌ایستم.**

بسیاری از دوره‌ها دولت یک سوی میز بوده و بخش خصوصی سوی دیگر. بخش خصوصی تا دیروز سردر گریبان فرو برده بود و حتی جرات بیرون آوردن آن را نداشت.

معتقدم که با این ابلاغیه، ما و مسوولان دولتی به جای نشستن در دو طرف میز باید در یک طرف آن بنشینیم و آن را اجرا کنیم. امروز دیگر بحث این نیست که چگونه اجرا بشود چرا که تمام شرایط اجرایی آن در این ابلاغیه وجود دارد فقط این می‌ماند که چگونه عوامل تصمیمگیرنده، تحویل دهنده و تحویل گیرنده‌ها با یکدیگر همکاری کنند.

در اصل ۴۴ بخش خصوصی تاکنون مکمل بخش دولتی بوده است و به نظر من با این ابلاغیه اخیر دولت مکمل بخش خصوصی است یعنی صورت مساله عوض شده است.

اگر این را قبول داشته باشیم، نگرش اجرا

نیز عوض خواهد شد.

● گفته می‌شود که مهندس خاموشی در ستاد اجرایی اصل ۴۴ نقش محوری خواهد داشت...

○ هنوز خبری از ساختار این ستاد اعلام نشده اما ما در اتاق بازرگانی معتقدیم که باید در ستادی که ایجاد می‌شود، حضوری قوی و کارشناسی داشته باشیم، در این ستاد کلیه موانع و چالش‌ها را بررسی کرده و اطلاع‌رسانی کنیم و پس از تصویب آن در ستاد بتوانیم نقش اجرایی نیز داشته باشیم.

● یک نکته مهم در این ابلاغیه، چگونگی استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی است. آیا واقعاً بسترهای لازم برای حضور سرمایه‌گذاری خارجی فراهم خواهد شد؟

○ اگر عوامل رشد و توسعه اقتصادی را عبارت از منابع انسانی و مدیریت، تکنولوژی و دانش و سرمایه بدانیم، در این ابلاغیه، این ابعاد مشخص و تکلیف آنها روشن است.

قطعاً ۱۴۰ هزار میلیارد تومان حجم سرمایه‌گذاری که امروز حتی بیش از این رقم است، نیاز به برنامه‌ریزی جهت واگذاری دارد. در بخش مدیریت مشکلی نداریم چرا که تجربیات بخش خصوصی در این بخش بسیار است. مهم‌ترین بخش، بخش سرمایه است.

یکی از کارهایی که ما باید در اتاق بازرگانی انجام دهیم، این است که سرمایه‌های کوچک عاملان اقتصادی را در قالب شرکت‌های تخصصی مادر سرمایه‌ای دورهم جمع کنیم.

از سوی دیگر، یکی از چالش‌ها و موانع سر راه ما چگونگی اعتبارات بانکی و روش برخورد بانک‌ها با این سرمایه‌گذاری‌ها است. آیا همان روشی که با مجموعه شرکت‌های دولتی داشته‌اند با بخش خصوصی نیز خواهند داشت یا نه؟ همچنین سقف این اعتبارات و سرمایه‌گذاری می‌طلبند که چشم‌انداز سرمایه‌گذاری خارجی و اعتبارات خارجی هر

بتواند به سیاست‌های فقرزدایی و عدالت اجتماعی برسد.

● **اعضای اتاق ایران و هیات نمایندگان آن، به نقاط مختلف کشور تعلق دارند. دیدگاه‌های متفاوت هم به صورت طبیعی دارند. همگرایی میان اعضای اتاق را در این شرایط جدید چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

○ ما در اتاق بازرگانی بلافاصله کار را شروع کردیم، چرا که معتقدیم حداقل اتاق باید محور این ابلاغیه باشد و به گونه‌ای عمل کنیم که بخش خصوصی به صورت فراگیر وارد میدان شود و در ستاد نیز استنباطمان این است که باید نقش محوری و تخصصی داشته باشیم.

علاوه بر این، سیاست ما در تمام اتاق‌های شهرستان‌ها این است که ستاد یا کمیته الزامات اجرایی ابلاغیه ایجاد کنیم که بتوانیم در این ستاد نظرهای بخش‌های خصوصی و غیردولتی را داشته باشیم و جمع کنیم.

● **اما این احتمال وجود دارد که دولت همچنان مشق خود را بنویسد....**

○ دولت‌های قبلی و دولت فعلی تا اینجای کار مشق خود را درباره اصل ۴۴ نوشته‌اند و امروز اجازه دهند دیگران مشق خود را بنویسند.

امیدواریم در این ستاد اجرایی علاوه بر نمایندگان سه قوه، دو کارشناس از رشته صنعت، دو کارشناس از بخش غیردولتی معدن، دو کارشناس از بخش بازرگانی و تجارت و نیز دو حسابرس خبره و دو حقوقدان خبره حضور داشته باشند، ما نیز به عنوان اتاق بازرگانی نماینده‌ای داشته باشیم و نهایتاً با این ترکیب تصمیمگیری‌ها را صورت دهند. با این ترکیب بخش خصوصی روح غالب بر ستاد خواهد بود.

● **سوالی که این روزها در محافل اقتصادی مطرح می‌شود، این است که بخش خصوصی یا اتاق توان این کار**

انحصار شکسته شود و بنگاه‌ها وارد گود شوند.

دولت باید رفتارش را در رابطه با تعرفه‌ها و مسایل اعتبارات و قیمت تمام شده و مهم‌تر از این، در رابطه با رفتار مدیریتی و کارفرمایی و کارمندی و کارگری طوری اصلاح کند که بنگاه‌های اقتصادی ما خود را در عرصه رقابت‌های جهانی ببینند.

**این دفعه اجازه دهید
بخش خصوصی سر و
گردنش را از گریبان بیرون
بکشد و اینکار را انجام
بدهد. باور داشته باشید
که بخش خصوصی و
غیردولتی از عهده‌آن
برمی‌آید.**

بنابراین حمایت‌های دولت از صنایع داخلی باید به صورت مقطعی باشد که این مقطعی بودن سبب چابکی صنایع برای حضور در ماران جهانی اقتصاد شود.

● **حال این سوال نیز پیش می‌آید که آیا بنگاه‌های خصوصی در وضعیت حاضر این نقش را خوب می‌توانند بازی کنند؟**

○ قطعاً پاسخ منفی است اما با اصلاح ساختار بنگاه‌های اقتصادی بخش غیردولتی می‌توانیم کارهای بزرگ را از ایشان طلب کنیم.

● **این دیدگاه هم وجود دارد که بدنه اجرایی دولت در برابر تحقق اصل ۴۴ مقاومت خواهد کرد که البته دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد.**

○ اگر دولت عزم و نگرش واقعی برای اجرای این ابلاغیه نداشته باشد، بعید می‌دانم

دو دیده شود و جذابیت برای ساختار آن طوری شکل بگیرد که سرمایه‌گذار خارجی نیز به آن وصل شود. یکی از الزاماتی که این کار را موفق و مدت زمان واگذاری را کم خواهد کرد، ترکیب سرمایه‌های کوچک با سرمایه‌های بزرگ است و همچنین نقش اعتبارات بانکی و ساختاری که برای این اعتبارات خارجی جذاب باشد. وقتی می‌گوییم اعتبارات خارجی منظور سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور نیز هست.

ما در اتاق بازرگانی معتقدیم که باید بستر مناسبی برای جذب سرمایه‌های کوچک شرکت‌های خصوصی فراهم کنیم و کمک کنیم که شبکه بانکی داخل طوری اصلاح شود که این نیاز را تامین کند.

● **در یک نگاه کلی، چنین استنباط می‌شود که ساختار اقتصادی ایران با جهان متفاوت است. تجارت خارجی ایران هنوز به گونه‌ای سنتی و عمدتاً دستوری، مدیریت می‌شود که تبعات آن هم در بسیاری موارد از جمله همین افزایش ناگهانی تعرفه‌ها، پیش‌بینی ناپذیر است. در درون چنین سازوکاری آیا می‌توان به آنچه مورد توجه اصل ۴۴ است، رسید؟**

○ به نظر من با توجه به چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست‌هایی که دولت‌های گذشته و فعلی در پیش گرفته‌اند، جهتگیری‌ها به سمت جهانی شدن اقتصاد و بین‌المللی شدن تجارت است و در ابلاغیه نیز بر آن تأکید شده است. تنها مطلبی که می‌ماند این است که دولتمردان ما باید با این ابلاغیه سرعت رسیدن به اهداف جهانی شدن اقتصاد را بیشتر کنند و امروز براساس مفاد این ابلاغیه، موانع سر راه سیاست‌های تعرفه‌ای، تجاری و عضویت در WTO را به سرعت بردارند.

به هر حال در این ماران جهانی شدن، قطعاً بنگاه‌های اقتصادی خصوصی و غیردولتی موفق‌تر از بخش دولتی می‌توانند عمل کنند به شرطی که دولتی که انحصارات را در اختیار دارد، اجازه دهد که

را دارد؟

○ من به جرات می‌گویم که بخش خصوصی توان بالفعل و بالقوه اینکار را داشته و دارد اما هیچگاه در طول این چند سال نگذاشتند که آن را بالفعل کنند. تو را به خدا قسم! این دفعه اجازه دهید بخش خصوصی سر و گردنش را از گریبان بیرون بکشد و اینکار را انجام بدهد. باور داشته باشید که بخش خصوصی و غیردولتی از عهده آن برمی‌آید. اتاق بازرگانی یکی از نهادهایی است که قانون آن را تشکیل داده و می‌تواند در این خودباوری بخش خصوصی نقش موثری داشته باشد.

● **اتاق به طور طبیعی و قانونی باید برآیند فعالیت عاملان اقتصادی در بخش خصوصی باشد که در سطح کشور فعالیت می‌کنند. طبق قانونی که در حال حاضر وجود دارد، فقط ۳۰ هزار نفر اجازه عضویت دارند، آیا این قانون واقعاً باز دارنده و غیردموکراتیک نیست؟**

○ بله، ما باید ۳۰ میلیون عضو داشته باشیم و هر کسی که فعالیت اقتصادی دارد، بتواند عضو اتاق شود. در طول حضورم در اتاق بازرگانی هیچگاه اعتقاد نداشتم که انتخابات اتاق بازرگانی غیردموکراتیک بوده است. اما آنچه که مسلم است اتاق محل فعالیت‌های سیاسی نیست و در واقع بستر مناسب جمع شدن عاملان و فعالان اقتصادی است.

ما خود را مطابق ابلاغیه تجهیز می‌کنیم و بر این باوریم که تمامی نقل و انتقالات باید در بورس صورت بگیرد.

در اتاق، کارهایی نیز در حال شکل‌گیری است و روش‌هایی داریم که این انتقال در عین حالی که به بخش خصوصی تخصصی و مدیریتی و سرمایه‌ای منتقل می‌شود، مغایر مالکیت فراگیر این انتقال نیست یعنی انحصاری در اختیار یک عده قرار نمی‌گیرد.

● **اما این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که اتاق با محوریت چند نفر به کار خود ادامه داده است. اتاق‌های مشترک و انحصار در این اتاق‌ها را می‌توان شاهد مثال آورد. آیا نباید قانون اتاق‌ها طوری باز تعریف شود که هر کسی فقط بتواند رییس یک اتاق مشترک باشد و نه بیشتر؟**

○ بازرگانان و عاملان اقتصادی که در رابطه با کشوری فعال هستند، کمیته مشترک را تشکیل می‌دهند و بعد شورای مشترک و در نهایت تعدادشان که از یک حد مشخصی بیشتر شد، اتاق مشترک را تشکیل می‌دهند. با نظارت اتاق ایران انتخابات نیز از بین تجار فعال همین اتاق‌های مشترک صورت می‌گیرد آن هم به شکل کاملاً دموکراتیک.

طبیعی است تاجری که از سابقه فعالیت بالاتری در آن کشور به خصوص برخوردار است و شناخت کامل‌تری از بازار آن کشور دارد، در انتخابات شانس بیشتری دارد. شنیده‌اید که می‌گویند فلانی در بازار "امین‌التجار" است. یک شبه کسی امین‌التجار نمی‌شود.

اجازه دهید یک مساله‌ای را که فراموش شده است، در اینجا بازگو کنم. در اتاق یا

نهادهای صنفی و تخصصی پیشکشوت بودن بسیار مهم است. سابقه کار و سابقه تجارت پارامتری بسیار مهم در انتخابات است.

کسی که تازه وارد صنفی شده است، نباید انتظار داشته باشد که بلافاصله رای بیاورد و انتخاب شود. روح قانون اتاق بازرگانی نیز همین است. روش دموکراتیکش نیز همین است. من هم قبول دارم که صدرصد دموکراتیک نیست و طبیعی است هر جایی که انتخابات هست، تیم‌شدن و... وجود دارد اما آنچه که مهم است برگزاری انتخابات در شرایط قانونی و کاملاً مساوی است و ما در اتاق سعی در فراهم شدن این شرایط در هر انتخاباتی را داریم.

اگر شکایاتی هم باشد، بررسی می‌کنیم. اتاق پایگاه و جایگاه پیشکشوتان است و فرهنگ پیشکشوتی است که ریسان را انتخاب می‌کند.

اینکه ریاست چند اتاق مشترک را یک نفر بر عهده دارد، این طور نیست. دیگران بیایند فعال باشند و نشان بدهند که می‌توانند پیشکشوت دیگران بشوند.

من به عنوان دبیر کل اتاق ایران و ناظر بر انتخابات این اتاق، در برابر هر گونه بی‌عدالتی و بی‌قانونی هر کس که باشد، قطعاً می‌ایستم.

اما قانون نیز ایراداتی دارد که متن اصلاحیه آن را نوشته‌ایم و به مجلس ارائه داده‌ایم و با وضع موجود سعی داریم حق و حقوق فعالان جدید و قدیمی را رعایت کنیم.



عضو هیات ریسه اتاق ایران در نشست مطبوعاتی در زنجان:

ابلاغیه رهبری درباره اصل ۴۴ قانون اساسی در ایران انقلاب اقتصادی ایجاد می‌کند

گفتگو از: راحله جلالی

مناسبی در اختیار بخش خصوصی و دولت گذاشته و به شرط وجود عزم ملی، می‌تواند

زنجان گفت: ابلاغیه مقام رهبری در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی فرصت

ابراهیم جمیلی، عضو هیات ریسه اتاق بازرگانی ایران در یک نشست مطبوعاتی در

یک انقلاب اقتصادی را در ایران به وجود بیاورد.

وی تصریح کرد: طی ۲۷ سال گذشته بیش از ۸۰ درصد در تصدیگری‌های اقتصادی کشور در دست دولت بود و کمتر از ۲۰ درصد آن در دست بخش خصوصی و صادرات و واردات نیز به دریافت مجوز از دولت منوط می‌شد، اما اکنون برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام وضعیت را تا حدودی مشخص کرده و انحصارها کمتر شده است.

وی با اشاره به ابلاغیه رهبری در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی گفت: اگر چه هنوز بعد از گذشت دو سال، بندهای (الف) و (ب) زیرنویس اصل (۴۴) اجرا نشده است، اما تأکیدات رهبری درباره بند (ج) فرصت خوبی است که باید مغتنم شمرده شود.

به گفته جمیلی با این ابلاغیه حجت بر همه تمام شد و دیگر، نه دولت، نه مجلس و نه بخش خصوصی، نمی‌توانند ادعا کنند که راه برای اجرای این اصل باز نیست. وی در عین حال که نقش رسانه‌ها و مطبوعات را در آماده سازی افکار عمومی برای رشد و جهش اقتصادی مورد تأکید قرار می‌داد، افزود: در فرمان رهبری فقط به تولید و مصرف داخلی توجه نشده است، بلکه باید به بازارهای جهانی و پیوستن به این بازارها نیز که مورد تأکید است، توجه شود.

عضو هیات ریسه اتاق ایران در ادامه با اشاره به بیانیه ۱۷ ماده‌ای اتاق بازرگانی و اعلام نظر بخش خصوصی درباره این ابلاغیه، خاطر نشان کرد: پیشنهاد بخش خصوصی این است که فرمان رهبری، محور قرار بگیرد، اساس این ابلاغیه در نظر گرفته شود و قوانینی که نیازمند اصلاح و تغییر هستند، زودتر به تصویب برسد، ضمن اینکه قوای سه‌گانه و دولت هم موظف است گامی اساسی برداشته و در این راه به بخش خصوصی کمک کند.



اگر قرار باشد شبه دولتی‌ها وارد عرصه اقتصاد شده و مدیریت‌ها با همان شرایط دولتی باشند، نمی‌تواند اثرگذاری لازم را داشته باشد.

وی در این رابطه از تاسیس اولین شرکت سهامی عام در استان زنجان با مبلغ ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه اولیه و به صورت کاملاً خصوصی خبر داد و گفت: بخش خصوصی برای اجرای ابلاغیه رهبری آمادگی دارد و به عنوان اولین گام، اقدام به تاسیس یک شرکت سهامی عام متشکل از یک تیم اقتصادی قوی اعم از مدیران اقتصادی و صنعتی با سابقه به عنوان اعضای هیات موسس شرکت، نموده است که بزودی آغاز به کار خواهد کرد.

وی همچنین جذب سرمایه‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور و نیز استفاده از فاینانس خارجی را مورد تأکید قرار داد.

جملی با تأکید بر اینکه راهی به جز خصوصی سازی برای نجات اقتصاد کشور وجود ندارد، گفت: به عنوان مثال در گذشته بخش خصوصی بر روی پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها سرمایه‌گذاری نمی‌کرد، اما اکنون این فرصت به بخش خصوصی داده شده است.

وی ادامه داد: ابلاغیه اصل (۴۴) باید هر چه سریعتر اجرا شود. متأسفانه درخصوص بندهای (الف) و (ب) زمانبندی لازم صورت نگرفته و نه تنها حجم دولت کوچک نشده بلکه بزرگتر هم شده است.

رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن زنجان با بیان اینکه باید از بخش خصوصی در مراکز تصمیمگیری و تصمیم‌سازی استفاده شود، افزود: پیشنهاد ما این است که قوای سه‌گانه کمیته‌ای خاص برای پیگیری و اجرای ابلاغیه اصل (۴۴) تشکیل دهند که دبیرخانه آن در اتاق بازرگانی به عنوان بزرگترین نهاد بخش خصوصی کشور قرار داده شود.

وی گفت: اقتصاد بیمار ایران با نسخه‌هایی که در ۲۷ سال گذشته برای آن نوشته شده، درمان نمی‌شود و تنها داروی آن ورود بخش خصوصی به عرصه اقتصاد است.

وی در پاسخ به سؤالی درباره ورود شبه دولتی‌ها به اقتصاد گفت: قطعاً مجلس باید جلوی این کار را بگیرد، زیرا اگر قرار باشد شبه دولتی‌ها وارد عرصه اقتصاد شده و مدیریت‌ها با همان شرایط دولتی باشند، نمی‌تواند اثرگذاری لازم را داشته باشد.

وی ورود شبه دولتی‌ها را خطری بزرگ نامید که خصوصی سازی را تهدید می‌کند.

وی در ادامه به رشد اقتصادی کشور کره اشاره کرد و گفت: بزرگترین مساله در ایران، مساله فرصت‌ها و زمان است که در حال از دست رفتن است.

وی تأکید کرد: بخش خصوصی بهره‌وری‌ها را بالا می‌برد لذا نباید فرصت را از بخش خصوصی گرفت و از ثروتمند شدن جامعه جلوگیری کرد. در شرایطی که دولت توان ایجاد اشتغال و امنیت شغلی را ندارد چاره‌ای جز وارد شدن بخش خصوصی نیست تا سرمایه‌ها صرف تولید شده و جامعه ثروتمند شود. □